

## تأثیر باورهای کلامی در تعادل زیست اقتصادی انسان

مآئده پسرکلو<sup>۱</sup>  
عباس عباس زاده<sup>۲</sup>  
قربانعلی کریم زاده قراملکی<sup>۳</sup>  
محمد عباس زاده<sup>۴</sup>

### چکیده

انسان به عنوان موجودی اجتماعی، دارای نیازهایی مادی است که برای رفع آن‌ها نیاز به درآمد دارد. وضعیت اقتصادی افراد تحت تأثیر باورهای کلامی می‌تواند دچار تغییر شود. اهمیت و ضرورت این تحقیق این است که عقاید منحصرأ در ذهن باقی نمی‌ماند و در اعمال آدمی موثر هستند. نوشته حاضر در زمینه بهره‌مندی‌های اقتصادی، نظام‌های سرمایه‌داری و مارکسیسم و اسلام، با هدف تأثیر عقیده در زیست اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. در جوامع غیرخدا‌باور که نظام سرمایه‌داری و مارکسیسم مطرح هستند، بهره‌مندی از سود و کسب درآمد و مالکیت، دچار افراط یا تفریط است. عده‌ای در فقر مطلق و عده‌ای غوطه‌ور در ثروت هستند؛ درحالی که طبق باورهای کلامی اسلامی، با راهکارهای مختلفی که عقاید ضامن اجرای آن‌ها در جامعه است، سعی بر حفظ تعادل اقتصادی در جامعه می‌شود. همچنین در کسب و بهره‌مندی از اموال نیز، جوامع غیرخدا‌باور گرفتار عقیده به میزانی از اختیار و آزادی بی‌حد و حصر و یا جبرگروی هستند. البته در اسلام نیز فرقه‌هایی مانند: اشاعره، صوفیه و معتزله گرفتار انحراف عقیدتی شده‌اند که در بهره‌مندی اقتصادی آنان موثر است. اما در مذهب شیعه امامیه این نوع انحرافات در مالکیت تحت توحید ناب با بهره‌گیری از تعالیم و رهنمودهای ائمه (ع) ایجاد نشده است. از طرفی برای کسب منافع مالی از عقیده به جبر یا اختیار صرف انسان خودداری شده است و با باور به عقیده "امر بین الامرین" انسان هم به بهره‌مندی از نعمات دنیوی و خودداری کردن از منع خود از آن‌ها و هم تلاش برای کسب و کار در این مذهب اشاره شده است. روش گردآوری مطالب در این پژوهش از طریق توصیفی-کتابخانه‌ای می‌باشد.

### واژگان کلیدی

اقتصاد، باورهای کلامی، مارکسیسم، مالکیت، کاپیتالیسم.

۱. دانشجوی دکتری رشته کلام اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.  
Email: maedepesarakloo@tabrizu.ac.ir
۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: aabaszadeh@tabrizu.ac.ir
۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.  
Email: g.karimzadeh@tabrizu.ac.ir
۴. استاد تمام گروه علوم اجتماعی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.  
Email: abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۳/۲۷

## طرح مسأله

یک بُعد از زندگی انسان، به عنوان موجود مدنی بالطبع، در ارتباط با سایر انسان‌ها و گذران امور خود از طریق روابط اجتماعی است که زندگی مادی انسان را تشکیل داده است. وی برای رفع برخی نیازهای زیستی خود، نیاز به کسب درآمد و مدیریت عرضه و تقاضاهای خود دارد. از طرفی این انسان، دارای عقاید و باورهای ذهنی است که فقط در ذهن باقی نمی‌مانند و در زندگی اجتماعی وی و بیرون از دنیای ذهن در عملکرد او موثر هستند. هرگونه تغییری در این باورها و اصولی که به آن پایبند است می‌تواند تغییراتی در زیست انسان را به همراه داشته باشد. انسان مسلمان، معتقد به وحدانیت خدای یگانه و عدالت وی و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت جانشینان برحقش از حضرت علی علیه السلام تا امام دوازدهم حضرت مهدی عجل وحق بودن معاد و رسیدگی به اعمال آدمیان است؛ بر این اساس اجرای بایدها و نبایدهای شارع مقدس را بر خود واجب می‌داند. علم کلام که به‌عنوان یکی از کهن‌ترین علوم اسلامی، به بیان عقاید و اثبات آن‌ها و همچنین تبیین و دفاع از این باورهای اعتقادی می‌پردازد، باید دید که کارایی و اثر مثبت در جامعه خواهد داشت یا به صورت دانشی تئوری است که صرفاً در دنیای ذهن به عنوان باور، خواهد ماند و در زندگی انسان مسلمان کارایی نخواهد داشت.

حقیقت این است که آموزه‌های کلامی در حیطه رفتارهای انسان، بایدها و نبایدهایی را برای وی رقم می‌زند و باید بررسی نمود که در هر عقیده‌ای، تبیین درست و معقول از آن در انسان شکل بگیرد؛ تا بتواند زیستی بهتر داشته باشد و به تکامل برسد. یکی از ابعاد که در زیست طبیعی انسان نقش اساسی دارد مسأله معیشت و اقتصاد انسان است. زیرا اقتصاد، زیربنای نیازهای ضروری انسانی را تشکیل می‌دهد و انسانی که گرفتار معیشت خود باشد، نمی‌تواند درجات کمال را بییماید. این پژوهش به این مهم خواهد پرداخت که نقش آموزه‌های کلامی در زیست اقتصادی انسان چیست؟ آیا باورهای اعتقادی دارای تأثیر مثبت یا منفی در زیست اقتصادی انسان خواهد بود؟ شکل‌گیری اقتصاد بر پایه باورهای کلامی چگونه می‌تواند انسان را به رشد و پرورش، هم از نظر مادی و معنوی برساند؟

برخی باورهای کلامی، مانند: "مساله جبر و اختیار" که یکی از مسائل کلامی مورد اختلاف از نظر فرق مختلف اسلامی است، می‌تواند در بسیاری از شئون رفتاری انسان مسلمان تأثیر داشته باشد. همان‌گونه که طبق باور اشاعره، انسان مجبور نامیده شد و هر آن‌چه که از وی سر می‌زند خارج از دایره اختیار او بوده و گرفتار جبر است؛ در تاریخ مشاهده می‌شود که این عقیده دستاویزی برای حکام سلطه‌طلب و ظالم قرار گرفت و با انجام آن چه خود می‌پسندیدند، آن را به خواست و مشیت الهی گره زدند و مردم را دچار فلاکت نمودند و با القای این تفکر، مانع اعتراض آن‌ها شدند. در مقابل این گروه، معتزله بر این عقیده شدند که انسان موجودی کاملاً مختار است و در راستای باور به حسن و قبح عقلی، نسبت دادن افعال انسان به خدای متعال را ناشایست دانسته و اذعان داشتند که از عدل خداوند و ذات مقدس وی، انجام قبیح محال است؛ در حالی که انسان مرتکب فعل قبیح می‌شود؛ بنابراین به انکار توحید افعالی پرداختند. خطر بزرگی که این تفکر برای انسان مسلمان داشت، این بود که انسان خود را مالک مطلق و بی‌نیاز از خالق می‌پنداشت. در مسأله کلامی رزق نیز، که یک باور کلامی مطرح است بیان می‌شود خداوند روزی همه موجوداتی که خلق کرده است را فراهم می‌کند؛ پس تفاوت فقر یا غنای اقتصادی انسان‌ها در چیست و به چه دلیل است؟ هم، با اعتقاد به جبر یا اختیار انسان بی‌ارتباط نیست. پس مشاهده می‌شود که باورهای کلامی اگر به تبیین درست برای افراد بیان نشود، نه تنها موجب رشد در ابعاد گوناگون و از جمله زیست اقتصادی نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند وی را دچار معضلات و مشکلات مادی و معنوی و دنیوی و اخروی کند. با توجه به اهمیت مسأله برای رستگاری دنیوی و اخروی انسان، ضرورت بررسی عقاید کلامی که می‌تواند در زیست اقتصادی انسان موثر باشد، را ایجاب می‌کند. می‌توان گفت در دنیای علت و معلول‌ها، هر کنشی با واکنش روبرو خواهد شد و در نتیجه، عقاید و باورهای ما نیز در روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و... موثر خواهند بود. اما چگونگی تأثیر مثبت یا منفی باورهای کلامی جای بررسی دارد.

با توجه به تعریفی که برای علم کلام ارائه داده شده است که "یک دانش از مجموعه دین‌پژوهی است که به تنظیم، استنباط و تبیین معارف اعتقادی می‌پردازد و آن‌ها را بر

اساس شیوه‌های مختلف درون‌دینی و برون‌دینی توجیه و اثبات می‌نماید و به شبهات و اشکالات مخالفان و معترضان پاسخ می‌دهد؛ و با توجه به اینکه رسالت و وظیفه متکلمان "پاسداری از آموزه‌های دینی و استنباط و تبیین صحیح آن‌ها و دفع شبهات است"؛ (خسروپناه، ۱۳۸۸، ۲۷) باید بررسی نمود که آن‌چه به عنوان آموزه‌های اعتقادی در انسان شکل می‌گیرد، با تبیین صحیح و پاسداری از آموزه‌های کلامی چه تأثیری در زیست اقتصادی انسان خواهد گذاشت و در جامعه چه پیامدهایی را دربر خواهد داشت.

### پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع مطرح شده، پژوهش‌هایی انجام گرفته است؛ از جمله:

۱- آقای عبدالحسین خسروپناه، در کتاب "کلام جدید با رویکرد اسلامی" به نقش مکتب اسلام در اقتصاد به وسیله تأکید بر توازن و تعادل اقتصادی، عدالت اقتصادی و توسعه اقتصادی اشاره شده است. همچنین اسلام همان‌طور که به آزادی فعالیت اقتصادی قائل است، محدودیت‌هایی مانند: حرمت احتکار و اجحاف را نیز به مسلمانان تأکید می‌نماید. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۲۶۲)

۲- شهید صدر در کتاب ارزنده‌ی خود "اقتصادنا" درباره ارکان اقتصاد در اسلام سخن گفته است. وی مکتب اقتصاد اسلامی را دارای دو صفت اساسی اخلاق‌گرایی و واقعیت‌گرایی می‌داند. اخلاقی بودن روش اسلام، به این معنی است که اسلام در مورد روشی که برای رسیدن به اهداف خود انتخاب می‌کند، به عامل روحی اهمیت فراوان می‌دهد و واقعیت‌گرایی یعنی - اسلام همیشه برنامه‌های اقتصادی خود را بر اساس نظر واقع‌بینانه به انسان پایه‌گذاری می‌کند و همواره تلاش می‌کند در محاسبات قانون‌گذاری خود، انسان را در تنگنا قرار ندهد. نویسنده ضمن بیانی کامل و جامع دربارهٔ مارکسیسم و سرمایه‌داری به نقاط قوت اقتصاد اسلامی اشاره می‌کند که عدالت اجتماعی و دادن آزادی محدود اقتصادی و مالکیت به انسان است. و این آزادی محدودیت‌دار، زمینهٔ جلای باطن وی را فراهم می‌کند. برخی از این محدودیت‌ها را نویسنده، محدودیت عینی آزادی می‌نامد که در آن فعالیت‌های اقتصادی ناصواب مانند: ربا و احتکار، که مانع از رشد و سعادت انسان خواهد شد، به وسیله شارع مقدس و قانون‌گذاری برای انسان ممنوع خواهد

شد. شهید صدر در این کتاب نگاهی به مباحث دیگری مانند مشکلات اقتصادی از دیدگاه اسلام و نظام توزیع داشته و مفصل به طرح بحث پرداخته است. همچنین به نظریات تولید و توزیع و داد و ستد پرداخته و مسئولیت دولت در نظام اسلامی در قبال اقتصاد را خاطر نشان کرده است. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱ و ۲)

۳- آقای عبدالله جوادی آملی، در کتاب "جامعه در قرآن"، از فقر و غنا که عامل اقتصادی است به عنوان یکی از عوامل انحطاط جامعه انسانی نام برده است. طبقاتی شدن جامعه تحت تأثیر عامل ثروت، باعث آسیب به جامعه می شود که در اسلام، رویکرد آن به جامعه، ایجاد جامعه ای بی طبقه است؛ اما این به معنای جامعه بی طبقه از نظر استعدادها و بشری، قابلیت ها و لیاقت ها نیست؛ بلکه جامعه از نظر تبعیض، محرومیت و ظلم بی طبقه است. همچنین به این مطلب که قرآن، انسان را موجودی مرکب از جسم و روح می داند که تأمین نیازهای هر دو بُعد او ضروری است و بهره گیری از مواهب طبیعی، درمان فقر اجتماعی، تشویق به انفاق عمومی و بیان حرمت و پلیدی ربا از مسائلی است که نویسنده به عنوان مسائل مطرح شده در قرآن اشاره نموده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۱۷)

۴- در پایان نامه خانم موسوی تبار، با عنوان "کارکردهای دین با تأکید بر اندیشه علامه طباطبایی" ضمن بررسی کارکردهای فردی و اجتماعی دین به صورت کلی و بیان نظرات صاحب نظرانی مانند دکتر سروش، علامه طباطبایی، خواجه نصیرالدین طوسی در رابطه با کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و...؛ به این اصل اشاره شده است که در اسلام، توسعه اقتصادی امری پسندیده است و هم جنبه ی فردی و هم جنبه ی اجتماعی دارد. در اسلام مالکیت هدف نیست بلکه وسیله ای برای پاسخگویی به نیازهای غریزی بشر و معراج تنظیم کننده روابط افراد با یکدیگر است. مرزی برای مالکیت در اسلام وجود ندارد جز اینکه به حقوق سایرین دست درازی نشود. (موسوی تبار، ۱۴۰۲)

۵- عابدین درویش پور به همراه نویسندگان دیگر در مقاله ای تحت عنوان "رابطه ی رزق حرام با بزهکاری و تأثیر آن بر جلوه های فردی و اخلاقی اشخاص در آیات و روایات" به تأثیر منفی مال حرام در روابط اجتماعی اشاره نموده است. وی در ادامه بیان نموده است که تحصیل مال از طریق نامشروع در کسانی که دنیاگرا هستند می تواند قابل

توجه باشد. وی در ادامه، ضمن بیان آیات مرتبط با حرمت مال نامشروع و راه‌های نفوذ شیطان به انسان، به وسیله‌ی گناهان اقتصادی، به این نکته اشاره نموده است که اگر تصرف باطل و ناحق در اموال مردم که یکی از مصادیق درآمد حرام است، بر روابط مالی مردم حاکم شود و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود، جامعه دچار انتحار خواهد شد. (درویش پور، کرامتی، ۱۳۹۶، شماره ۲۹، صص ۳۹۷-۴۱۹)

۶- علی اصغر هادوی‌نیا، در مقاله‌ی خود تحت عنوان "جایگاه اقتصادی سنت رزق" به بیان تأثیر مفهوم و باور رزق در رفتارهای اقتصادی انسان پرداخته است. نویسنده باور به مفهوم رزق در چارچوبی که قرآن بیان نموده است را نه تنها مانع رشد و توسعه‌ی اقتصادی انسان‌ها نمی‌داند، بلکه آن را دارای کارکردهای مثبت قلمداد کرده است. نویسنده ضمن بیان سنت‌های الهی و هدف خداوند از آن‌ها، به رازقیت پروردگار نیز به عنوان یکی از سنت‌های الهی اشاره نموده و بیان کرده است که رازقیت خداوند متعال نیمی از توحید افعالی تلقی شده است و نیمی دیگر به نقش انسان و کار و کوشش وی برمی‌گردد. در قرآن کریم آیاتی یافت می‌شود که ضمن تشویق به کار در سطح ضرورت‌ها، به تشویق انسان برای تهیه‌ی رفاهیات می‌پردازد. در کنار این مسأله، نویسنده به این مطلب اشاره دارد که اگر شخصی در جهان‌بینی خود سهمی برای محوریت توحید افعالی برای کسب ثروت و درآمد داشته باشد، پس از حصول آن‌ها به آسانی به فرمان شارع مقدس انفاق در راه خدای متعال را در پیش می‌گیرد که در رشد و توسعه‌ی اقتصادی موثر است و رازقیت خداوند در تناقض با باور به نقش کوشش و تلاش انسان برای رشد اقتصادی نیست. (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، شماره ۲۸، صص ۸۹-۱۱۶)

۷- آقای محمدرضا علاء‌الدین در مقاله‌ای با عنوان "آیات اقتصادی قرآن کریم" به بررسی آیات مختلفی از قرآن که درباره اقتصاد و معیشت انسان است پرداخته است. به عنوان مثال آیات ۵۸ تا ۶۳ سوره مبارکه بقره ضوابط زندگی شهری و قوانین اقتصادی را بیان می‌کند. آیه ۲۰ سوره مبارکه شوری به تفاوت اقتصاد اسلامی با دیگر مکاتب اشاره دارد. همچنین قواعد شرعی و عقود اسلامی که در آیات قرآن کریم مطرح شده است، بیانگر برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است و هدف آن تأمین رفاه عمومی است.

آیاتی مانند آیه ۲۹ سوره نساء، آیه ۲ سوره مائده، آیه ۳۵ سوره توبه، از سازگاری توسعه و اسلام و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی سخن می‌گوید که نویسنده اقدام به گردآوری این گونه آیات و بیان تیتروار آن‌ها کرده است. (علاءالدین، ۱۳۹۰، شماره ۳۸، صص ۲۱-۳۱)

۸- در مقاله " جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصاد توحیدی از دیدگاه قرآن کریم " نویسنده ضمن بیان سنت‌های الهی، از سنت امداد که موجب پیشرفت در جامعه ی موحد و ملحد است سخن گفته است و وی در ادامه، ضمن مشترک دانستن سنت امداد در جامعه ی موحد و ملحد، سنت رزق را موجب پیشرفت جامعه ی موحد دانسته و ویژگی‌هایی مانند: پایداری رزق که در آیات قرآن به آن اشاره شده است، غیرقابل پیش‌بینی بودن روزی و استمرار داشتن روزی را به عنوان ویژگی‌های رزق الهی بیان کرده است. (کاشانی، نظرپور، ۱۳۹۷، شماره ۵۶، صص ۶۴-۸۱)

۹- در مقاله ی " دین و اقتصاد " نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی " که برگرفته از کتاب اقتصاد اسلامی آقای منذر قحف است، نویسنده به نظام اقتصاد اسلامی، در مقابل مارکسیسم که ثروت در انحصار دیکتاتوری است و طبقات دیگر از آن محروم هستند، و نظام سرمایه‌داری که در آن ثروت هدف است و یا خدایی برای اعطای این مالکیت وجود ندارد و اگر هم\_ وجود داشته باشد\_ خدایی معزل است که جهان را خلق نموده و به حال خود رها کرده و انسان آزاد است هرگونه کسب ثروت داشته باشد؛ اشاره می‌کند و قرآن و سنت را دارای دستورات فراوان در زمینه اقتصاد می‌داند. نویسنده ویژگی‌هایی مانند: پایبندی نظام اقتصادی اسلام به اخلاق و ارزش‌ها، پویا بودن آن و داشتن ظرفیت برای تغییرهای متناسب با نیاز روز را از ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام بیان نموده است و از مواردی مانند: زکات، ارث، تحریم ربا و مواردی دیگر از مباحث فقهی اسلامی به عنوان نمونه‌های تدبیر اقتصادی اسلام سخن گفته است. اما به آموزه‌های کلامی صرف اشاره خاصی نشده است. (میر معزی، ۱۳۸۴، شماره ۱۸، صص ۱۵۷-۱۷۸)

با توجه به طرح موضوع پژوهش، بیشتر به بررسی مقالات و منابع نوین پرداخته شد. آنچه درباره بررسی پژوهش‌های انجام شده می‌توان بیان نمود این است که در آن‌ها

بیشتر به جنبه کارکردی دین به طور کلی، و نه آموزه‌های کلامی به طور خاص پرداخته شده است. همچنین بررسی آیات و روایات در زمینه فقهی بیشتر به چشم می‌خورد و درباره این که آموزه‌های کلامی در زندگی اقتصادی انسان، به طور خاص، چه نقشی دارند؟، به طور کلی یا پژوهشی ناقص و اجمالی انجام شده است و یا از دید کارکرد دین به طور کلی و یا کارکرد فقهی به طور خاص، توجه شده است.

### معنای اصطلاحی علم کلام

علم کلام، دانشی است که به معارف و عقاید اسلامی پرداخته و ضمن تبیین و اثبات آن‌ها، به دفاع از آموزه‌های اعتقادی می‌پردازد و شبهات مخالفان را پاسخ می‌دهد. (برنجکار، سبحانی، ۱۳۹۹: ۱۶)

### تعریف نظام اقتصادی

کوزنتس، نظام اقتصادی را چنین ترسیم می‌کند: مجموعه قواعد مؤثر بر واحدهای متعدد موجود در جامعه در جهت همکاری در امر تولید، توزیع و مصرف کل. (سبحانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۵). دکتر نمازی می‌نویسد: نظام اقتصادی، عبارت است از مجموعه مرتبط و منظم عناصری که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرفی برای کسب بیش‌ترین موفقیت فعالیت می‌کنند. (نمازی، ۱۳۸۷: ۳۹). شهید صدر نیز نظام اقتصادی را مکتب اقتصادی نامیده و می‌نویسد: مکتب اقتصادی شامل هر اصل بنیادین در زندگی اقتصادی است که با اندیشه عدالت اجتماعی سر و کار دارد. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۰)

با توجه به این که مباحث کلامی از بحث توحید و ایمان و صفات الهی آغاز شده و به اصل معاد ختم می‌شود و در چینه کلی عبارت است از توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد که مباحث اعتقادی، زیر مجموعه‌ی هر یک از این پنج اصل بیان می‌شوند؛ در این پژوهش نیز مباحث کلامی به این چینه بیان خواهد شد.

### تعریف مالکیت در نظام های اقتصادی

مالکیت به معنای مالک بودن است و به اصطلاح حقی است که انسان نسبت به شیئی دارد و می‌تواند هر تصرفی در آن داشته باشد؛ جز آن‌چه که مورد استثنای قانون باشد.

(معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۵۷۸).

مالکیت یکی از عناصر موثر در نظام اقتصادی است. زیرا نوع نظام اقتصادی را مشخص می‌نماید.

نظریات متفاوتی درباره مالکیت انسان ارائه شده است که با توجه به مبانی فکری و ساختاری که دارند، نتایج متفاوتی را در جامعه بروز می‌دهند.

از آن جا که مالکیت تحت عنوان سرمایه و اقتصاد نیز می‌تواند تلقی شود، در نظام‌های فکری مطرح که عواملی را موثر در بهره‌مندی از منابع ثروت و اقتصاد موثر می‌دانند، به بررسی عوامل موثر در مالکیت اقتصادی می‌پردازیم. دیدگاه‌های مطرح درباره مالکیت به شرح زیر است:

### ۱. دیدگاه‌های مطرح درباره مالکیت

#### ۱-۱- سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) و اقتصاد و مالکیت

اصطلاح "کاپیتال" مأخوذ از ریشه لاتینی capitellum، در زبان اقتصاد به معنای سرمایه می‌باشد. کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری یک نظام اقتصادی مدرن است که در آن، بخش عظیمی از فعالیت اقتصادی، به خصوص مالکیت و سرمایه‌گذاری تولید برای افراد و موسسات غیردولتی است. از مولفه‌های اصلی سرمایه‌داری، انسان‌گرایی و فردگرایی در حوزه فعالیت اقتصادی است. می‌توان گفت جنبش‌های دینی در تکامل کاپیتالیسم نقش داشتند. زیرا پروتستان‌ها به کار و کوشش فردی اهمیت ویژه دادند و تحقیر و مذمت ثروت اندوزی و ثروت را از بین بردند. بدین ترتیب مالکیت امری الهی تلقی شد. آدام اسمیت به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان در این زمینه به کار به عنوان وسیله‌ای برای کسب ثروت اذعان داشت و تقسیم کار را برای بهره‌وری بیشتر اقتصادی موثر می‌دانست. نابرابری اجتماعی از نظر وی امری طبیعی بود و محرک رشد اقتصادی تلقی می‌شد. در حالی که این رونق تولید و سودآوری فروان، نتیجه افزایش ساعات کاری کارگران و دستمزد کم آنان بود. با انقلاب صنعتی و افزایش تولید و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، کارگران بسیاری در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی مشغول کار شدند. اما رفته رفته تبدیل جامعه به دو طبقه‌ی اقلیت سرمایه‌دار و طبقه‌ی وسیع کارگران، تغییر اجتماعی در جامعه ایجاد کرد و زمینه

نارضایتی کارگران و اعتراضات را فراهم نمود؛ نظریات کارل مارکس و اکنشی به این خشونت سرمایه‌داری بود. کاپیتالیست‌ها این نظام اقتصادی را قوی‌ترین نظام برای رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند اما مخالفان آن، کارآمدی یک نظام اقتصادی را در رعایت انصاف و عدالت و ارزش‌های این چنینی می‌دانند. سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها بر این باورند که این نوع از نظام اقتصادی نظمی در جامعه به وجود می‌آورد که طبقه حاکم، با غارت دستمزد کارگران به دست می‌آید. (مشکات و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۲۵۸-۲۶۷)

### ۱-۲- مارکسیسم و اقتصاد و مالکیت

بنیان‌گذار مکتب مارکسیسم، کارل مارکس، اقتصاددان و جامعه‌شناس آلمانی است. این مکتب در متن جنبش‌های کارگری شیوع پیدا کرد و همیشه یکی از مکاتب انتقادی مطرح در مقابل لیبرالیسم اقتصادی و سرمایه‌داری است. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵۶)

مارکس ضمن این که به وجود طبقه در جامعه معتقد بود و "قدرت، ثروت و منزلت" را سه عنصر تعیین جایگاه افراد در جامعه می‌دانست، از طرفی پیش‌بینی می‌کرد که روزی طبقه کارگر که به وسیله بورژوازی استثمار می‌شد، آگاه شده و دست به انقلاب بزند و حاکمیت طبقه بورژوا را کنار زده و راه را برای برقراری جامعه بی‌طبقه هموار کند. (کوهن، ۱۳۹۱: ۳۰۶)

مارکسیسم باور دارد که وضع اقتصادی هر جامعه، تنها عاملی است که اوضاع اجتماعی، سیاسی، دینی، فکری و دیگر نمودهای وجود اجتماعی را مشخص می‌کند. وضع اقتصادی نیز، همچون هر پدیده دیگری در این جهان، علت خاص خود را داراست. این علت - که علت اصلی همه دگرگونی‌های اجتماعی و در نتیجه، علت هر حرکت تاریخی در زندگی انسان به‌شمار می‌رود - عبارت است از: نیروی تولیدکننده و ابزار تولید. بنابراین، ابزار تولید، بزرگ‌ترین نیروی است که تاریخ توده‌ها را شکل می‌دهد، آنان را دگرگون می‌سازد و سازماندهی می‌کند. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵۶)

در این دیدگاه، مالکیت به گروه خاصی متعلق نیست و طرفدار دخالت حکومت و دولت در اقتصاد هستند. در واقع مالکیت خصوصی لغو و منابع و مواهب، طبق برنامه‌ی

دولت در اختیار همگان باید قرار بگیرد. نظام‌های سوسیالیستی که در برخی کشورهای جهان روی کار آمدند، نشأت گرفته از ایدئولوژی‌های مارکس بودند و در بسیاری از مراحل شکل‌گیری بر مبنای نظریات مارکس سیاست‌گذاری می‌شدند.

با روی کار آمدن این نظام‌های سوسیالیستی و مارکسیستی، با از بین رفتن انگیزه فردی برای تولید، تولیدات صنعتی کاهش یافتند و روستائیان به از بین بردن آن چه تولید کرده بودند پرداختند. با روبه‌رو شدن حکومت با خطر قحطی، حکومت‌ها به دنبال تجدیدنظر در سیاست‌های خود افتادند که نتیجه آن موجب افزایش تولید شد. اما این افزایش تولید که با عقب‌گرد از اندیشه مارکس در لغو مالکیت خصوصی ایجاد شده بود، باعث ایجاد یک طبقه ممتاز و مرفه درون جامعه‌ای شد که خود را ضد سرمایه‌داری می‌نامیدند، اما در واقع با همان ویژگی‌های سرمایه‌داری به وجود آمده بودند. (نمازی، ۱۳۸۹: ۲۱۹-۲۲۰)

در دیدگاه مارکسیسمی و حکومت‌های سوسیالیستی، نقاط اشتراکی مانند: اصالت جمع در برابر فرد، مالکیت دولتی و برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز دیده می‌شود که هر کدام پیامدهای قابل توجهی دارند. اصالت دادن به جمع و اعتباری دانستن وجود افراد، از عوامل از بین رفتن انگیزه افراد در کشورهای سوسیالیستی مشاهده شد. مالکیت دولتی نیز با این انگیزه مطرح شد که در نقطه مقابل تفکر سرمایه‌داری باشد. یعنی با استدلال این که مالکیت فردی بر ابزار تولید، موجب کسب در آمد در نظام سرمایه‌داری است، با لغو مالکیت فردی ابزار تولید، به قطع نابرابری اقتصادی پردازند. لغو مالکیت خصوصی به کاهش تولید محصولات، قحطی و ابراز نارضایتی انجامید. نتیجه برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی نیز، این بود که به دلیل این که دولت اقدام به برنامه‌ریزی گسترده اقتصادی می‌نمود، درحالی که امکان ارزیابی افراد و انتخاب آن‌ها در زمینه تولید و یا مصرف ناممکن بود. از طرفی هزینه بسیار سنگینی برای دستگاه‌های برنامه‌ریزی پرداخته می‌شد. (همان: ۲۵۵)

### ۱-۳- اسلام و اقتصاد و مالکیت

از نگاه اسلام، توحید زیربنای همه چیز است و تمامی شئون زندگی انسان بر محور توحید می‌چرخد. توجه به وضعیت اقتصادی به عنوان عامل تأمین‌کننده نیازهای انسان، از دید اسلام پنهان نبوده و تأکید فراوان برای تلاش جهت بهبود وضعیت مادی فرد و خانواده

دارد. اما در دیدگاه توحیدباور، مالکیت همه موجودات در اصل و ابتدا در تصرف خدای متعال است؛ «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (بقره/۲۸۴) - «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست».

اسلام در عین حال که مالک حقیقی همه موجودات را خداوند متعال می‌داند، به مالکیت فردی نیز معتقد است و آن را امری فطری قلمداد می‌کند. اگر حکومتی با استبداد و سلب مالکیت افراد حکومت می‌کند نیز، نباید منکر فطری بودن مالکیت فردی باشد؛ زیرا انکار مالکیت فطری، مستلزم باطل نمودن حکم فطرت انسان است که آن هم، در گرو فناء انسان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۸)

همان‌گونه که شهید صدر در این باره بیان می‌کند: تفاوت مکتب اقتصادی اسلام با سایر مکاتب دیگر که مورد مطالعه قرار گرفت، در چارچوب دینی فراگیر آن است. از منظر اسلام، دین، چارچوب فراگیری است که همه سازمان‌های زندگی را دربر می‌گیرد. اسلام به هنگام ارائه راه‌حل برای هر یک از بخش‌های زندگی، آن را با دین درهم آمیخته و در شکل ارتباط دینی انسان با آفریدگار و روز واپسین، به آن شکل می‌بخشد. (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۶۳)

نظریات اقتصادی اسلام، دو تفاوت عمده با سایر نظام‌های اقتصادی دارد:

۱) **تفاوت در منشأ نظریه‌ها:** نظریه‌های حاکم بر نظام‌های اقتصادی حاصل تفکر اقتصاد دانان فراوانی است که در طول زمان، تحول و تطور شده و پس از نقد و بررسی به نظریه مبدل گشته است. اما نظریات نظام اقتصادی اسلام غالباً از آموزه‌های وحی و قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) در مدتی کوتاه اخذ شده است.

۲) **نحوه ارائه نظریه‌ها:** در ارائه نظریات اقتصادی اقتصاددانان، آن‌ها برگرفته از واقعیات عینی جامعه و وضعیت بازار است که پس از تحلیل، ارائه شده‌اند و یا در حالت دوم، در قالب نظریه‌پردازی برای اثبات فرضیه‌ای بوده‌اند. درحالی که نظریات اقتصاد اسلامی هیچ یک از دو حالت بیان شده را ندارد. با مقایسه نظریه‌های بهره، در نظام‌های اقتصادی و اسلام، دیده می‌شود که نظام‌های اقتصادی غیر از اسلام، غالباً با دلایل توجیهی از قبیل ریسک‌پذیری، هزینه فرصت، تفاوت قیمت در زمان حال با آینده لزوم بهره را

توجیه می‌کنند. (نمازی، ۱۳۸۹: ۲۳۴-۲۳۵) اما در اسلام، بهره و حرمت ربا بدون تجزیه و تحلیل ارائه شده است و در آیات پایانی سوره بقره، به حرمت آن اشاره شده و به ناعادلانه بودن نظام توزیعی آن اشاره شده است. «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹) - «اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید (بهره اضافی را برگردانید)، سرمایه‌های شما، از آن شماست [اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود. همان طور که در اسلام به "حق شغل" اشاره شده و داشتن درآمد حلال و حتی به غنای اقتصادی رسیدن و تلاش برای به دست آوردن رزق بیشتر پسندیده است، هر شغلی حلال نیست و کارهایی مانند: احتکار و کم فروشی و ربا از منظر اسلام سخت نکوهیده شده است. به عبارتی همگان "حق شغل" دارند؛ اما به استناد آن نمی‌توان هر کاری را "شغل حق" نامید.

بدون شک گسترش ربا در بازارها، فساد معاملات و افزایش نابرابری‌ها را رقم می‌زند و فرهنگ کسب درآمد از راهی به جز تلاش و کوشش و کار را گسترش خواهد داد. این مسأله باعث می‌شود انگیزه کوشش اقتصادی، به خصوص زمانی که نرخ بهره از نرخ بازدهی بیشتر باشد، از افراد گرفته شود. (علم الهدی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

یکی دیگر از ثمرات مالکیت با توحید باوری این است که انسان علی‌رغم ساختن دنیای خویش و استفاده از نعمات الهی به اندازه و در حد اعتدال، نگاهی معادباورانه در اعمال خود دارد که وی را از لغزش‌های دنیوی که سدّ راه تکامل معنوی انسان هستند نگاه می‌دارد. معادباوری که در سایه اعتقاد به توحید شکل گرفت، آن‌گاه انسان معتقد به حسابرسی روز قیامت و پاسخگویی نسبت به اعمال و رفتار خود خواهد بود.

از آنجا که قرآن کریم بی‌توجهی به محرومان و ضعیفان را یکی از دلایل سقوط انسان‌ها در دوزخ معرفی می‌کند و به اقرار آن‌ها اشاره می‌کند: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ» (مدثر/۴۴) - و اطعام مستمند نمی‌کردیم. انسان معتقد می‌داند که در معرض دید دوربین‌های بسیاری است که لحظه به لحظه اعمال او را نظاره می‌کنند و سعی دارد با انجام کارهایی همچون انفاق، نوع دوستی، ایثار و فداکاری بتواند از این شهود که ناظر بر اعمال

وی است، جلب رضایت کند. (سامانی و نصیری، ۱۳۸۹: ۲۰).

اعتقاده معاد و توحیدباوری و مالکیت در سایه مالکیت مطلق خداوند، مانع بروز بسیاری از رذیلت‌های اخلاقی مانند تکبر در انسان می‌شود. اگر باور کنیم آنچه داریم از خداست، با انفاق کردن مغرور نمی‌شویم. بهتر می‌توانیم قسمتی از آن را انفاق کنیم. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۰)؛ با دید توحیدی به مالکیت، نه تنها بهتر می‌توانیم انفاق کنیم، بلکه به انفاق بخش مرغوب‌تر از مال خود می‌پردازیم. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران/۹۲) - هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است. رسیدن به مقام نیکوکاران راستین، شرایط بسیاری دارد که یکی از آنها انفاق کردن از اموالی است که انسان به آن‌ها علاقه دارد. زیرا بیانگر عشق و علاقه واقعی به خدا، و پایبندی به انسانیت و اخلاق، هنگامی روشن می‌شود که در برابر انسان، در يك طرف مال و ثروت یا منصبی قرار داشته باشد که مورد علاقه شدید او است، و در طرف مقابل خدا و ایمان قلبی به او و نیکوکاری، اگر از اولی بخاطر دومی صرف نظر کرد معلوم می‌شود که در عشق و علاقه خود صادق است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۰). از طرفی اسلام، در همین دستور به انفاق نیز رعایت میانه‌روی را خواستار است و از زیاده‌روی در انفاق و یا انفاق نکردن انسان را بازداشته است. «وَ أَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۹۵) - و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترك انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. زیرا اگر ثروتمندان بخل ورزند و به فکر محرومان نباشند، اختلاف طبقاتی روز به روز توسعه پیدا کرده و عامل انفجار جامعه و نابودی آنان خواهد گردید. چنانکه اگر میانه‌روی در انفاق رعایت نشود و فرد هرچه دارد به دیگران ببخشد، به دست خویش، خود و خانواده‌اش را به هلاکت کشانده است. قرآن کریم در آیات دیگر نیز مسلمانان را به رعایت میانه‌روی در انفاق سفارش نموده و به پیامبرش می‌فرماید: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (اسراء/۲۹) ای پیامبر! نه دست بسته باش که چیزی نبخشی و نه آنچنان که هر چه داری یکجا ببخشی. (همان:

## ۱-۴- نقد و جمع بندی

با دقت در نظریات و نظام‌های برجسته اقتصادی، با تکیه بر تأثیر خداباوری در نظام‌های اقتصادی می‌توان نکات زیر را بیان نمود:

۱. با توجه به این که مالکیت در برخی نظام‌های اقتصادی مانند مارکسیسم با تکیه بر عناصری مانند: قدرت، ثروت و منزلت، وجه تمایز و طبقه‌بندی انسان‌ها، عواملی اکتسابی است که می‌تواند در صورت سلطه افراد مستبد و حکومت‌های استبدادی، حقوق دسته‌ای از افراد زایل شود. و چه بسا این بی‌عدالتی لازم و مفید تلقی می‌شود نظیر آنچه در مطالب بالاتر از آدام اسمیت نقل شد. درحالی که در نظام اسلام، تکیه اولیه بهره‌مندی از مواهب بر نظامی بی‌طبقه از نظر نابرابری و بی‌عدالتی است و کرامت انسان‌ها در اسلام حفظ شده و تقوای الهی شرط برتر بودن در این نظام خواهد بود. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات/۱۳) - گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ اما نه در بهره‌مندی از مواهب و نعمت‌های خدادای. انسان متقی نزد خداوند گرامی‌تر است اما در طبقات اجتماعی هر آنچه برای سایر افراد به عنوان حقی ثابت می‌شود او نیز همان حقوق را خواهد داشت و مزیتی مازاد برای وی نخواهد بود.

۲. در نظام‌های سرمایه‌داری غیرخداباور، زیربنای همه شئون زندگی انسان، اقتصاد است و تکیه صرف بر اقتصاد می‌تواند زمینه فسادهای مالی از جمله: فقر در یک قشر خاص و بزهکاری از روی نیازمندی، شرایط زیستی نامساعد و آسیب‌های روحی و روانی شود. از طرفی در طبقه مرفهین باعث ایجاد غرور و تکبر، تفکر اومانیستی، اسراف و سلطه‌طلبی و استعمار انسان‌های دیگر می‌شود. در حالی که در نظام اقتصادی اسلام، کرامت انسان، نوع دوستی، استفاده از مواهب دنیوی برای زندگی آسان و رسیدن به تکامل معنوی و اخروی، وسیله‌ای برای بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا در جهت رشد انسان و در نهایت قرب به خداوند است. در سایه‌ی چنین باوری است که دیگر قارون‌ها در جامعه‌ی انسانی سربرنیاورده و خود را بی‌نیاز مطلق تلقی نخواهند نمود. چرا که در سایه باور توحیدی، انسان هر چه دارد متعلق به خدای متعال می‌داند «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/۳) - از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

۳. با توجه به روشی که برای بیان نظریه‌ها و قوانین اقتصادی مطرح شد، در بین مکاتب اقتصادی بشری افراط و تفریط‌ها و کاستی‌ها و خطاهایی دیده می‌شود، زیرا ساخته و پرداخته عقل و دانش بشری هستند. درحالی که در قوانین اسلام، کوچک‌ترین مسائل در نظر گرفته شده و شارع مقدس با بیان آزادی‌ها، اختیارها و منع‌هایی که برای فرد خداپاوار وجود دارد، چارچوب زیست اقتصادی بشر را تنظیم نموده که در عین نظم بخشیدن به امور اقتصادی دنیوی، به بُعد معنوی وی و زندگی اُخروی انسان نیز توجه داشته است. نکته حائز اهمیت این است که اذعان شد با بررسی تاریخی اقتصاد زمان حکومت رسول الله صلی الله علیه و آله، مشاهده شد که با اجرای اوامر الهی توسط ایشان در جامعه انسانی اسلامی، جامعه اقتصادی کاملی ایجاد شده بود که فاقد نقص بوده و اگر ادامه می‌یافت امروزه شاهد بهترین و کامل‌ترین زیست اقتصادی بشر می‌بودیم که مانند به کارگیری نظریات اقتصاد دانان دارای نقص و خطا نبود. اگر تقدیر چنین بود که آن تجربه ادامه پیدا می‌کرد و بیش از آن دوره کوتاه تاریخی، در عمر انسانیت مستمر می‌شد، می‌توانست شایستگی انسان را برای خلافت بر زمین ثابت کند و جهانی ایجاد کند که آکنده از احساس عدل و مهر باشد و توانایی آن را داشت که در حد امکان عناصر شرّ و انگیزه‌های ستم و فساد را از سرشت انسانی ریشه کن سازد. با توجه به این که علم باری تعالی بر همه موجودات سیطره دارد و آگاه به همه نیازها و علایق مخلوقات خویش است، در صورت باور به خدای متعال به عنوان مالک مطلق موجودات و مالک حقیقی هر آنچه انسان دارد، و با تسلیم بودن در برابر قوانین اقتصاد توحیدی، انسان می‌تواند هم زندگی دنیوی بهتری داشته باشد و در سایه بهره‌مندی به‌جا از نعمات و موهبت‌های الهی به تکامل معنوی نیز برسد. همان‌طور که درباره آینده جهان، وعده حکومت آخر که حکومت حضرت مهدی (عج) داده شده است.

۴. آنچه در قالب توحیدباوری در مذاهب مختلف اسلامی بیان می‌شود، در برخی از اقسام توحید مورد اختلاف میان فرق می‌باشد. با توجه به این مطلب که اشاعره در توحید صفاتی و عقیده به جبر در خداپاوری و عدل و افعال الهی دچار انحراف عقیدتی هستند؛ و معتزله که بر اساس برداشت نادرست از عدل الهی و در توحید افعالی دچار لغزش شده‌اند،

عالی ترین نوع توحید را در توحید مدّ نظر امامیه می بینیم که هم در عدل الهی که مربوط به افعال خداوند در زمینه جبر و اختیار و اراده و رزق است دچار لغزش نشده است و هم در بحث توحید صفاتی و افعالی که فرّق دیگر دچار انحراف فکری شده اند، شیعه امامیه با بهره گیری از رهنمودهای امامان معصوم علیه السلام توانسته میانه روی و اعتدال را رعایت کند.

### تأثیر آموزه های کلامی و به ویژه ایمان به مبدأ و معاد بر نظام اقتصادی

پس از بیان جایگاه اقتصاد در شئون زندگی بشری و بررسی مکاتب اقتصادی مطرح و مهم، به این مطلب پرداخته شد که تأثیر نگاه خداپاوار بر نظام اقتصادی چگونه بود و آثار اولیه ی مثبتی را دربر دارد که با توجه به دو بُعد روحانی و جسمانی انسان، زمینه ساز تکامل هر دو بُعد انسان خواهد بود. حال به بررسی این مسأله می پردازیم که با توجه به پیش فرض این که قوانین اقتصادی اسلامی با نگاه توحیدی، می تواند جامعه ای پویا در عین حال کامل تر، از نظر اقتصادی را در بر داشته باشد؛ در رابطه با عوامل مختلف دخیل در اقتصاد بشر، نظریات مکاتب مطرح بشری و عملکرد آنان در معیشت انسان چگونه تأثیر می گذارد؟ این نظریات و عملکردها تا چه اندازه در تکامل و سعادت انسان، هم در زندگی دنیوی و هم در زندگی اخروی، می تواند موفق باشد؟

انسان برای رفع نیازهای مادی خود، به درآمد نیاز دارد. منبع مالی انسان می تواند از طریق کار برای وی حاصل شود و وی با کسب درآمد در ازای کار انجام شده، از درآمد به دست آمده، برای کسب منافع و نیازهای خود استفاده نماید. اما میزان این درآمد به عواملی می تواند مرتبط باشد که اقتصاد دانان به بیان آنان می پردازند. این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که میزان درآمد انسان در سطح بهره مندی وی از رفاه اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. در مطالب ذیل به بیان نظریات مطرح اقتصادی و همچنین دیدگاه خداپاوار می پردازیم:

## ۲. افراط، تفریط و اعتدال در مالکیت و اقتصاد

### ۲-۱- نظام سرمایه‌داری

در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، توزیع درآمد از طریق مکانیسم بازار انجام می‌گیرد و افزایش احتیاج می‌تواند در افزایش عرضه‌ی کار و در نتیجه، کاهش دستمزد موثر واقع شده و حتی تأثیر منفی روی توزیع بگذارد. در این نظام‌ها تعیین حداقل دستمزد توانسته تأثیر منفی احتیاج بر توزیع را بکاهد. اما برهم خوردن اصل تعادل خودکار را در پیش داشته و در مهار فقر فراینده چاره‌ساز نیست.

در این نظام‌ها، آزادی فردی در مالکیت خصوصی دارای حقوق گسترده و تقریباً نامحدود است. صاحب سرمایه می‌تواند نیروی کار را برای بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی استخدام نموده و منابع طبیعی را به مالکیت خود درآورد. در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، دیگر تولید به منظور رفع نیازها انجام نمی‌شود، بلکه به منظور سودآوری بیشتر می‌باشد و به منظور افزایش سرعت تولید، ماشین‌ها جایگزین نیروی انسانی می‌شوند. کالاهایی که نیاز اساسی افراد هستند، در مقابل کالاهای سودآور طبقات پر درآمد، دارای اولویت تولید نیستند و در نتیجه با عقیده به عدم دخالت در مکانیسم بازار، عدم تطبیق میان تولید و تقاضا را ایجاد می‌کنند. به دنبال این مسأله، افزایش قیمت‌های کالاهای حیاتی و کاهش قدرت خرید نیازهای اساسی قشر نیازمند در جامعه مشاهده می‌شود. با اضافه شدن ویژگی روانی نظام سرمایه‌داری که مادی‌گرا شدن انسان‌ها است، روابط عاطفی میان انسان‌ها جای خود را به روابط مادی وابسته به سود و سرمایه می‌دهد. نتایج اقتصادی نظام سرمایه‌داری را می‌توان در چهار مرحله طبقه‌بندی نمود:

۱- **مرحله بهبود:** به دنبال ورشکستگی و رکود دوره‌های قبلی، قیمت‌ها کاهش می‌یابند و در نتیجه هزینه تولید پایین خواهد آمد. این مسأله راه را برای تولید جدید و شروع فعالیت‌های اقتصادی جدید هموار می‌سازد و تولید کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام افزایش یافته، اشتغال جدید ایجاد می‌شود و افزایش درآمد به چشم می‌خورد.

۲- **مرحله رونق:** علامت مرحله رونق، افزایش قیمت‌ها و نرخ بهره و دستمزد است. اما سرعت افزایش قیمت‌ها نسبت به افزایش دستمزد بالاتر است. از طرفی دستمزدها حداقلی

تعبیه می‌شوند و نمی‌توانند از حداقل فراتر روند زیرا بازار متکی بر سود و سرمایه این امکان را نمی‌دهد. دستمزدهای اسمی افزایش یافته‌اند؛ اما در واقع کاهش یافته‌اند.

۳- **مرحله بحران:** به دنبال افزایش تقاضا، بازار با کمبود سرمایه روبرو می‌شود و در نتیجه، کارفرما مجبور به محدود کردن تولید و فروش محصولات تولید شده با قیمت پایین‌تر می‌شود. تولید کاهش پیدا می‌کند و اعلام ورشکستگی‌ها افزایش می‌یابد. کاهش قیمت‌ها زمینه را برای اسراف و مصرف‌زدگی فراهم می‌کند.

۴- **مرحله رکود:** این مرحله، مرحله درج‌زدن اقتصاد و توقف آن است. بدبینی و ناامیدی در کارفرما، مشخصه بارز این مرحله است و در هر دوره، انتقال از مرحله رونق به مرحله بحران و رکود، کاهش سرمایه‌گذاری، فقر و فلاکت فراگیر و بی‌کاری عمومی و ضررهای بزرگ مالی برای موسسات تولیدی را رقم می‌زند. (همان، صص: ۱۱۱-۱۱۸)

## ۲-۲- نظام مارکسیستی

مارکس معتقد است کار عامل خودسازی و آگاهی بشر است و انسان باید برای گذران زندگی کار کند و کار معنایی جز استفاده از ابزار نخواهد داشت. بنابراین منفعت انسان در این است که ابزارهای کار خود را کامل‌تر و پیشرفته‌تر سازد. (رایت میلز، ۱۳۷۹: ۹۴-۹۵). وی تولید و وسایل مادی برای ادامه حیات بشر را ضرور می‌داند و اقتصاد را زیر بنای همه شئون دیگر انسان می‌نامد که توسعه همگی متکی به اقتصاد است که زیربنای تلقی می‌شود. (همان: ۲۳۱).

## ۲-۳- نظام اسلامی

در دیدگاه اسلام یک تقسیم‌بندی کلی برای مراحل اقتصادی مطرح نشده است، بلکه به تنظیم فعالیت‌های اقتصادی مطابق با شرع و رضایت شارع مقدس تأکید می‌شود. بنابراین در اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها با توجه به رضایت خدای متعال برای کسب درآمد و فعالیت‌های اقتصادی انسان معتقد وضع می‌شود و همه موجودات به‌عنوان مخلوق خداوند هستند. در درجه اول، تأمین نیاز اقتصادی این موجودات، بر طبق دیدگاه توحیدباور، برعهده خالق می‌باشد.

متکلمین در یک تقسیم‌بندی، صفات خداوند را به "صفت ذات" و "صفت فعل" تقسیم کرده‌اند. منظور از صفت ذات، صفاتی است که برای توصیف ذات خداوند به آن‌ها، فقط تصور ذات الهی کفایت می‌کند مانند: قدرت، علم و حیات؛ و صفاتی که برای خداوند با ملازمت با فعل اتصاف پیدا می‌کنند را "صفات فعل" بیان می‌کنند. مانند رازقیت و خالقیت خداوند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۷: ۸۴)

بنابراین رازقیت خداوند به عنوان فعلی که از وی سر می‌زند، یک باور کلامی است و خداوند در قرآن کریم به مسأله رازق بودن خود برای تمامی مخلوقات اشاره می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات/۵۸) - بدرستی یگانه رزاق و دارای قوت و متانت خداست. همچنین در آیه ی «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود/۶) - هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست؛ نیز براین باور کلامی تأکید شده است. از طرفی انسان در جهان طبیعت، شاهد تفاوت در درآمدها و وضعیت اقتصادی انسان‌ها است. برخی ثروتمند و برخی فقیر هستند و دسته‌ای نیز بینابین این دو گروه قرار دارند؛ وضعیت اقتصادی افراد به مسائلی مانند میزان دستمزد در قبال کار انجام شده، میزان تلاش فرد برای کسب درآمد و محیط زندگی است.

نظام اقتصادی اسلام بر خلاف مارکسیسم و سرمایه‌داری که بر نوع خاصی از مالکیت تأکید دارند، بر مالکیت مختلط معتقد است. در واقع هم مالکیت خصوصی با ضوابط و قوانین الهی، هم مالکیت عمومی مانند بهره‌مندی به اندازه احتیاج از منابعی که متعلق به عموم مردم است، و هم مالکیت دولتی مانند بهره‌مندی از انفال، نظام اقتصادی اسلام را تشکیل می‌دهد. این بدان معنا نیست که نظام اقتصادی اسلام متشکل از ترکیب نظام اقتصادی مارکسیسم و سرمایه‌داری است. خصوصاً که مفاهیم مالکیت، اختیارات و حقوق در اسلام نسبت به دو نظام مطرح شده متفاوت است. همچنین قبل از پیدایش این دو نظام اقتصادی، نظام اقتصادی اسلامی قرن‌ها پیش، این باورها را داشته و بیان نموده است. ممکن است چنین استنباط شود که در نظام اقتصاد اسلام، محدودیت برای کسب درآمد وجود دارد. اما وجود قوانین متغیر برای پویایی نظام اقتصادی اسلام و پاسخگویی به مسائل نیاز روز جامعه و آزادی در کسب درآمد و سود این پرسش را پاسخ می‌دهد. اسلام در عین

دادن آزادی نامحدود در زمینه فعالیت اقتصادی به انسان، فقط چارچوب محدود قوانین را از انسان معتقد خواستار است. قوانینی مانند عدم احتکار، عدم رباخواری، عدم کم‌فروشی از نمونه قوانین اسلام است که فقط در زمینه‌های محدودی از فعالیت‌های ناپسند از نظر شارع مقدس بیان شده است و در صورت داشتن کسب حلال، محدودیتی برای فرد ارائه نشده است. (رک نمازی، ۱۳۸۹: صص ۳۴۰-۳۵۴)؛ همچنین به باور بسیاری از افراد، ایمان به مبدأ و معاد و به‌طور کلی خدا باوری، ضمانت اجرایی قوانین، به خصوص قوانین اخلاقی را بر عهده دارد. طبق برهان اخلاقی کانت، می‌توان گفت در بسیاری از موارد، دلیل عمل به قوانین اخلاقی، خدا باوری می‌باشد. گرچه معتقد به این تئیسیم که خدا باوری منشأ تمامی احکام و قوانین است؛ بلکه ضمانت اجرای بسیاری از قوانین می‌تواند این مطلب باشد که خدایی که قادر مطلق، حی و آگاه به همه ی اعمال آدمی است و در برابر همه افعال ما، عقوبت و پاداشی برای ما در نظر دارد؛ می‌تواند دلیل پایبند ما به قوانین باشد. (پترسون، ۱۳۷۹، صص ۴۲۷-۴۳۳، یوسفیان، ۱۴۰۱، صص ۳۵۳۸)

### نقد و جمع بندی

۱. علی‌رغم ادعای طرفداران سرمایه‌داری، نقص‌های قابل توجهی در این نظام اقتصادی وجود دارد که یکی از آنها این است که عده‌ای که در قدرت هستند، منافع خود را به عموم افراد ترجیح می‌دهند. آنان با هر نوع دخل و تصرفی به حفظ منافع خود و افزایش سود دست می‌زنند. در حالی که در ایدئولوژی اسلامی، برای دستمزد، سود در قبال انجام کار و تولید و سایر مسائل، به طرح قوانین دقیقی پرداخته شده است.
۲. از دیگر آسیب‌های نظام سرمایه‌داری دستمزدهایی است که از حداقل نیازهای کارگران فراتر نمی‌رود. این مسأله نارضایتی عمومی و رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد، در حالی که گروه اندک کارفرمایان و سرمایه‌داران در مقابل هر گونه تغییری مقاومت می‌کنند. در حالی که در دین اسلام، علی‌رغم توجه به شأن و کرامت کارگر، به تناسب میان کار انجام شده و دستمزد توجه شده است. همچنین برای درآمد حاصل از کار قوانینی وضع شده است تا به ارتباط میان کار انجام شده، دستمزد و درآمد حلال سامان ببخشد.
۳. نظام مارکسیستی نیز با انکار مالکیت خصوصی، به نارضایتی عمومی می‌انجامد و با

اصالت دادن به جامعه، انسان را موجودی مانند یک دستگاه و ابزار تولید قلمداد می‌کند. این در حالی است که انسان یک موجود مادی صرف نیست. در آموزه‌های اسلامی برای انسان، جایگاهی والا در میان مخلوقات خداوند مطرح می‌شود و ضمن تأکید بر کرامت جان و مال انسان، به تعالی روحی وی نیز توجه شده است. قوانین اقتصادی اسلامی خلأهای دیدگاه‌های مادی‌نگر و یک‌جانبه‌نگر به انسان را پوشش می‌دهد و ضمن توجه به جامعه، به حقوق فرد هم متقابلاً توجه و تأکید دارد. در واقع دین اسلام، نه به جامعه به تنهایی اصالت می‌بخشد و نه تنها به فرد، بلکه با اهمیت دادن توأمان به جامعه و فرد به تعادل ارتباط میان فرد و جامعه کمک می‌کند.

### ۳. عقیده انسان در بدست آوردن درآمد اقتصادی با توجه به مسأله جبر و اختیار

با توجه به موارد فوق جای این بحث پیش می‌آید که با توجه به این که انسان، در زندگی دنیوی گاه تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرد و منابع مالی وی ممکن است توسط برخی علل طبیعی و یا افراد دستخوش تغییر قرار بگیرد، تفکر خداباوری و اعتقاد به مسأله کلامی "رزق" و "رازقیت خداوند" با عوامل طبیعی دخیل در اقتصاد انسان و مجبور بودن انسان در برابر تمهیدات اقتصادی و یا مختار بودن وی برای بهره‌وری بیشتر اقتصادی، چه ارتباطی دارد؟ تفکر فرق مشهور کلامی در این باره چیست؟ دیدگاه جامعه‌شناسان و اقتصاد دانان درباره این مسائل تا چه میزان با دیدگاه خداباور مطابقت یا تضاد دارد؟

#### ۳-۱- عقیده به جبر یا اختیار انسان در کسب درآمد در مکاتب غیر الهی

اگرچه در نظام سرمایه‌داری و مارکسیسم، تمایزاتی در نظام اقتصادی آن‌ها و نحوه بهره‌مندی از سود و درآمد و مالکیت مشاهده می‌شود. اما در مسئله مادی‌گرا بودن و عدم توجه به بُعد معنوی انسان دارای رویکرد مشابهی هستند. وجه اشتراک مهم‌تری که در نظام‌های اقتصادی غیر خداباور مشاهده می‌شود این است که اگرچه در کشورهای که با نظام سرمایه‌داری اداره می‌شوند، عقیده به آزادی بی‌حد و حصر مطرح است و آن را شعار رفتار و گفتار خود می‌دانند، در عین حال پای سود و کسب درآمد بیشتر که مطرح

می‌شود، از عقیده جبر به عنوان دست مایه‌ای برای به سلطه گرفتن انسان‌های قشر ضعیف استفاده می‌کنند. در واقع این گونه نیست که طرفداران آزادی و سرمایه‌داری، به جبر معتقد باشند، بلکه از این عقیده مذهبی تفسیر نابه جا ارائه می‌دهند تا بتوانند در قشر کارگر و ضعیف جامعه، با تغییر عقیده آنان، زمینه را برای منعطف شدن آن‌ها در برابر سلطه و قدرت قشر مرفه و سرمایه‌دار فراهم کنند تا دست به اعتراض و انقلاب نزده، و آنچه بر آن‌ها تحمیل می‌شود را به عنوان سرنوشت و اراده الهی بپذیرند.

تارو ماهیت نظام سرمایه‌داری را از میدان بیرون کردن ضعیف‌ها در میدان رقابت در ضمن حاکمیت سرمایه بیان می‌کند و می‌گوید: سرمایه‌داری معتقد است شایستگان اقتصادی باید بی کفایت‌های اقتصادی را از میدان فعالیت‌های اقتصادی بیرون برانند. محور نظام سرمایه‌داری بر نابرابری قدرت خرید و سازگار با برده‌داری است. (نمازی، ۱۳۸۹: ۲۰۴ - تارو، ۱۳۷۶: ۳۳۹). بنابراین در این نوع سیستم اقتصادی، افراد طبقات پایین اقتصادی، ضمن اعتقاد به آزادی انسان، افرادی بی‌مصرف تلقی شده و حق حیات آن‌ها نیز بعضاً نادیده گرفته می‌شود تا طبقه سرمایه‌دار به منافع خود برسد. در واقع در نظام سرمایه‌داری انسان، در عین آزادی و اختیار داشتن، باید در مسیر نفع‌رسانی به طبقه سرمایه‌دار حرکت کند و مجبور به تأمین منافع آن‌ها باشد.

در دموکراسی سرمایه‌داران غربی، چارچوب عبارت است از خواسته صاحبان ثروت و منافع سرمایه‌داران. اگر مردم چیزی را که برخلاف منافع سرمایه‌داران حاکم بر جامعه است بخواهند، تضمینی برای پذیرش آن وجود ندارد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۶۱)

مارکسیست‌ها نیز که با استفاده از اصل قضا و قدر آن را عامل تسلط نیرومندان بر طبقه بیچاره تلقی می‌کنند، عقیده به جبر و اختیار را به عنوان پدیده‌ای می‌دانند که مذاهب به نفع سرمایه‌داران ایجاد کرده‌اند تا طبقه کارگر دست به انقلاب نزنند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۶). همچنین بیشترین موفقیت نظام در تأمین منافع جامعه است نه فرد؛ بنابراین آزادی‌های فردی در زمینه مالکیت و اقتصاد سلب شده و فقط مصالح جامعه مهم تلقی می‌شود. (نمازی، ۱۳۸۹: ۴۲). مارکس در یکی از مکاتبات خود با انگلس می‌نویسد: نیازی به یادآوری نیست که انسان‌ها اختیار دار نیروهای تولیدی خود که اساس تاریخ آنان است

نمی‌باشند؛ زیرا هر نیروی تولیدی، نیرویی اکتسابی و ثمره‌فعالیتی در گذشته است. (رایت میلز، ۱۳۷۹: ۲۳۵).

یکی از بارزترین نمونه‌های "جبر مادی" جبر اقتصادی تاریخ است که از آن مارکسیسم سرسختانه حمایت می‌کند. مارکسیسم گذشته‌بر این‌که انسان را (فاعل جبری) می‌داند، تمام روبناهای جامعه اعم از تحولات تاریخی و بروز اندیشه‌ها را، محصول مبارزه طبقاتی که خود نشأت گرفته از رشد دستگاه‌های تولیدی و دگرگونی در روابط اقتصادی است بیان می‌کند. رشد ابزار تولید که با روابط اقتصادی کهن تضاد ایجاد کرد، تضاد دیگری به نام مبارزه طبقاتی تولید می‌گردد، تا روابط اقتصادی کهن را دگرگون ساخته و روبناها و مناسبات جدیدی را به وجود آورد و تمام این تحولات (ماشین‌وار) بدون آن که اختیار و آزادی انسان در آن مؤثر باشد، صورت می‌پذیرد.

از نظر مارکس عامل سازنده تاریخ نیروی فیزیکی فاقد شعوری است و اراده و خواست انسان در تحولات تاریخی به کلی نادیده گرفته شده است و همان‌طور که ریشه‌درخت در محیط مناسبی از خاک و نور و آب، رشد و نمو می‌کند و اراده انسان در آن تأثیر و نقشی ندارد همان‌طور جامعه انسانی تحت شرایط مکانیکی ماشین تغییر قیافه می‌دهد و به‌طور جبر پیش روی می‌کند. (سبحانی، ۱۳۸۱: ۳۴۱)

### ۳-۲- عقیده به جبر و اختیار در کسب درآمد در اسلام

برخی در رابطه با رزق انسان که توسط خداوند تضمین شده است بر این عقیده شده‌اند که انسان معتقد به خداوند، با عزلت‌نشینی و دوری از مواهب طبیعی و دنیوی، درآمد و رزق پنهانی از خدای متعال دریافت نماید و یا با دوری از نعمات، بدون آن که خداوند نعمت‌های خود را بر آنان تحریم کرده باشد، خود را از نعمات الهی محروم می‌دارند و این عمل را در جهت قرب به خداوند می‌دانند. مانند صوفیه که نوعی بدعت اقتصادی در اسلام پایه‌گذاری نمودند و برای مسلمانان این تفکر رایج شد که از نعمات دوری نموده و عزلت‌نشینی اختیار کنند و مدام در حال عبادت و کناره‌گیری از مواهب دنیا باشند. ابن‌الجوزی در کتاب خود "تلبیس ابلیس" که نقد بر اعمال نادرست صوفیان است درباره آنان می‌گوید: ابلیس آن‌ها فریب داد و هر روز تلبیس تازه‌ای برای آن‌ها پیش آورد

تاجایی که بعضی از آن‌ها مقصود از شرع را ترک کامل دنیا شمرده و مال را کژدم تلقی نمودند و فراموش کردند که مال برای مصلحت انسان خلق شده است. (غنی، ۱۳۸۹: ۳۳) امام علی علیه السلام در مذمت این رفتار خلاف اصول اسلامی آنان، در حالی که از "عاصم بن زیاد" بر ایشان شکایت بردند که ترک دنیا و مواهب آن را نموده است، در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه فرمود: «ای دشمنک جان خویشتن! شیطان پلید سرگردانت کرده است، آیا به خانواده و فرزندان رحم نمی‌نمایی؟ آیا این گونه می‌پنداری که خداوند، پاکی‌ها را بر تو حلال نموده، ولی بهره‌گیری تو از آن را ناخوش دارد؟ تو بر خدا آسان‌تر از این هستی.» (هاشمی خویی، ۱۳۸۷: ۴۳-بحرانی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۰)

از بیان فوق چنین استنباط می‌شود که حضرت علی علیه السلام، عاصم را به این مطلب توجه می‌دهد که غرض شارع، رها کردن دنیا و نعمات آن نیست و این عمل موجب اخلاق در نظم جهان و نقض غرض شارع خواهد شد. زیرا مقصود شارع، بقای نوع انسانی و آبادی زمین در مدتی از زمان است و تمدن و بقای نوع، در گرو تعاون افراد نوع و برطرف شدن نیازهای مادی و رفاه نسبی است تا فرد بتواند از سطح دغدغه‌های مادی و جسمانی با فراغ بال گذشته و به دغدغه‌های برتری مانند سعادت طلبی و کمال برسد. و این مهم جز در سایه بهره‌مندی از مواهب دنیوی حاصل نمی‌شود. (همان: ۵۵). همچنین باطل بودن عقیده صوفیه در کلام امام نمایان می‌شود و این تفریط و زیاده‌روی پذیرفتنی نیست و سلوک و بندگی با طریقی جز طریق شریعت انحراف و گمراهی است. (ذکاوتی قراگوزلو، ۱۳۸۵: ۱۵). در عقیده به جبر، فرقه "اشاعره" نیز با صوفیه هم مسلک هستند و از نظر آنان انسان موجودی مجبور است و هر آنچه از وی سر می‌زند و برای او رخ می‌دهد، مقدرات الهی و مشیت خداوند است و خود فرد در آن اختیار و انتخابی ندارد و فاقد اختیار است. برخی در کسب رزق توسط انسان نیز این اعتقاد جبرگونه را سرلوحه اعتقادات خود قرار داده‌اند و فقر و غنا را به مشیت خداوند نسبت می‌دهند. آنان بر این عقیده‌اند که روزی انسان نیز مانند سایر شئون زندگی وی از پیش مقدر شده است. شهرستانی می‌گوید: «روزی‌ها به اندازه عمرها مقدر شده است و عمرها به اندازه روزی‌ها مقدر شده است. چیزی بر روزی‌ها افزوده نمی‌شود و چیزی از آن کاسته نمی‌شود.» (شهرستانی، ۱۳۶۲: ۴۱۶). البته در ادامه این

مطلب اشاعره بیان می‌کنند که رزق انسان نیز مانند اجل محتوم و غیر محتوم دارد و انسان می‌تواند در رزق غیر محتوم، با انجام حکم مشروط، خداوند تحت تدبیر و مصلحت خود روزی انسان را افزایش بدهد. (همان: ۴۱۷) اما در بحث طلب رزق بیان می‌کنند: «السعی فی تحصیل الرزق قد یجب و ذلك عند الحاجة، و قد یستحب، و ذلك عند قصد التوسعة علی نفسه و عیاله، و قد یباح و ذلك عند قصد التکثیر من غیر ارتکاب منهی، و قد یحرم و ذلك عند ارتکاب المنهی کالغصب و السرقة و الربا» (تفتازانی، ۱۴۰۹ ق: ۳۱۹) یعنی تلاش برای جذب رزق مقدر الهی را واجب می‌دانند اما در مقدر و از پیش تعیین شدن آن، به جبر معتقدند. می‌توان این گونه بیان کرد که اشاعره، با اعتقاد به مقدر بودن رزق انسان، به کسب و طلب آن معتقدند. بر خلاف صوفیه که ترک نعمات نموده و آن را طلب نمی‌کردند. اشاعره کسب و طلب را واجب دانسته اما در مقدر بودن و عدم تغییر میزان رزق گرفتار جبر هستند.

نظر متکلمین امامیه نیز بر این است که طلب رزق و تلاش برای آن پسندیده و واجب است. علامه حلّی در تأیید طلب رزق از خداوند می‌گوید: «سعی فی طلب الرزق قد یجب مع الحاجة، و قد یستحب إذا طلب التوسعة علیه و علی عیاله، و قد یباح مع الغنی عنه، و قد یحرم مع منعه عن الواجب» (علامه حلّی، ۱۴۱۳ ق: ۳۴۲). اما در رابطه کسب رزق، نظر شیعه امامیه با سایر فرق متفاوت است. پیشوای ششم امامیه، امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «رزق به دو گونه تقسیم شده است: یکی به صاحبش می‌رسد هر چند در پی آن نباشد و دیگری منوط به پی‌جویی است. آنچه منوط به تلاش اوست سزاوار است آن را از مسیرش بجوید» (مفید، ۱۴۱۰ ق: ۵۸۶).

می‌توان در توضیح روایت فوق بیان نمود که تلاش آدمی چیزی است که از اراده و اختیار وی نشأت می‌گیرد. پس در عقاید امامیه، انسان موجودی مجبور نیست و دارای اختیار است و این اراده را در مسیر تلاش و کوشش به کار می‌گیرد.

از آن جهت که جهان، جهان اسباب و مسببات است؛ مشیت خداوند بر این تعلق گرفته است که هر پدیده‌ای از سبب خاص خود سرزند، طلب روزی بدون تکاپو، طلب محال است و دعای چنین فردی چون برخلاف مشیت خدا است هیچ‌گاه مستجاب

نمی‌شود. (سبحانی، ۱۳۷۸: ۲۰۲)

در آیات و روایات به این مساله اشاره شده است که فعالیت اقتصادی برای رفع نیازهای خود و خانواده بسیار ارزشمند است و حتی در احادیث اسلامی کارگری که برای تأمین هزینه زندگی خانواده خویش، کوشش می‌کند به مجاهدی تشبیه شده است که در راه خدا شمشیر می‌زند آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الکاد لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (آرام، حکیمی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۴۳۵) - کسی که برای تأمین زندگی عیال خود زحمت (و رنج) می‌کشد، همچون مجاهد در راه خدا است.

شیعه امامیه معتقد است انسان در تصمیم‌گیری نسبت به یکی از دو طرف یک کار (انجام فعل یا ترک آن) با قدرتی که خداوند به او سپرده است، مختار است. فعل انسان از یک جهت به خدا نسبت داده شده، و از جهتی دیگر در همان وقت به خودش نسبت داده می‌شود. نسبت به خدا داده می‌شود از آن جهت که با قدرت و توانی انجام می‌دهد که از طرف خدا به او داده شده است و به خودش نسبت داده می‌شود، چون با اختیار خود یکی از دو کار را انتخاب نموده است. به همین خاطر از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که: «لا جبر ولا تفویض، ولکن امر بین الأمرین»، نه جبر است نه تفویض، بلکه امری میان این دو تاست. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۴۶). بنابراین در کسب روزی نیز به روزی مقدر حتمی صرف معتقد نیست؛ بلکه کار و کوشش انسان می‌تواند در افزایش روزی که به غنا در منابع مادی منجر شود برسد. اما با توجه به ایمان به خداوند و مالکیت مطلقه خداوند، آن چه با تلاش و کوشش به دست آورده را در نهایت متعلق به خدای متعال می‌داند و این عقیده، موجب به جا آوردن دستورات دینی مانند انفاق، قرض الحسنه، پرداخت زکات و خمس اموال می‌شود. یعنی اعتقاد به باور کلامی توحید در مالکیت، با باور به رازقیت خداوند متعال در کنار تلاش انسان در کسب روزی حلال بیشتر، هم موجب غنای خود شخص شده و هم زمینه رشد و کمال معنوی وی را فراهم می‌نماید. از طرفی انجام دستورات دینی توسط فرد غنی، می‌تواند شکاف طبقاتی اقتصادی ایجاد شده توسط افرادی که دارای توان مناسب برای فعالیت اقتصادی بیشتر و رسیدن به ثروت و غنا را ندارند پوشش دهد.

مقصود از «زهد» هم در اسلام، ترک کردن کار و کوشش نیست، بلکه مقصود دل نبستن به دنیا است؛ زیرا دل‌بستگی به مال و ثروت، اصالت دادن به تولید ثروت و غفلت از دیگر اصالت‌ها به خصوص ارزش‌های اخلاقی است. و یکی از ویژگی‌های اقتصادی اسلام راستین و مورد نظر شیعه امامیه همین است که در عین دعوت به کار و کوشش، نمی‌خواهد انسان دچار حرص و آرز جمع‌آوری ثروت و دنیا دوستی بشود. از طرفی نیز دل نبستن به دنیا و زهد مورد نظر اسلام واقعی همین تعلق خاطر افراطی نداشتن به مالکیت دنیوی می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۷۸: ۳۴)

## نتیجه گیری

### الف) نظام سرمایه داری

۱. با بررسی عقیده برخی مکاتب مطرح اقتصادی در زمینه مجبور یا مختار بودن انسان، می توان چنین بیان نمود که اگرچه طرفداران برخی نظام های اقتصادی مانند کاپیتالیسم، در ادعای آزاد بودن بی حد و حصر انسان سخنان نغزی بیان کرده اند، اما در بونه ی عمل، انسان را موجودی مجبور و وابسته در زمینه اقتصادی پرورش داده، و شأن و شخصیت وی را برحسب طبقه اجتماعی و میزان درآمد وی در نظر می گیرند و بدین وسیله انسان را مجبور می سازند به جای آزادگی، وابستگی به دنیای فانی پیدا کند و آن گاه مرگ را نیز به کامشان تلخ سازند.

۲. در نظام های سرمایه داری، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و تولید ثروت اساس است. فاصله در درآمدها یا تبعیض و نداشتن رفاه در قشر کثیر مردم دغدغه نیست. و لذا انسانی را که عشق به عدالت دارد ناکام می سازند.

۳. نظام سرمایه داری و تفکرات آن ها، با القای آزادی بی حد و حصر به انسان، کسب درآمد از هر راهی و سودمندی به هر قیمتی ولو به قیمت آسیب به قشر های دیگر را در پی دارد. این کسب ثروت و مالکیت بی حد و حصر بدون هیچ محدودیتی، زمینه ساز شکاف طبقاتی، دنیاطلبی در انسان، آزمندی و سایر رذیلت های اخلاقی می شود. از طرفی این آزادی انسان در گرو بهره مندی طبقه ای خاص از ثروت و نعمات است و تا زمانی انسان های دیگر تحت لوای آن ها آزاد خواهند بود که به منافع آن ها آسیبی نرسد. منشأ این نظام و حکومت داری الهی نیست و افراد سردمداران آن هستند. بنابراین اگر منافع آنان مورد تهدید واقع شود، برای رفع این خطر به هر اقدامی دست می زنند. در حالی که در اسلام، منشأ حکومت الهی است و خداوند دارای نفع و زیان از تصمیمات اقتصادی افراد نیست و سعی شده از طرق مختلف در قالب روش هایی مانند: انفاق، زکات، خمس، ارث و سایر موارد بی شمار، به حفظ تعادل اقتصادی و روزی رسانی به همه موجودات از سوی خالق و شارع مقدس پرداخته شود.

### ب) نظام مارکسیستی

۱. نظام‌های مارکسیستی نیز با توجه به باور به جبر تاریخی، رخ دادن برخی مسائل و رویدادها را برای انسان به جبر، طبیعی می‌دانند و می‌توان گفت به پذیرش جبر روی آورده و انسان را موجودی منفعل می‌دانند. آنان اگرچه با شعار برچیدن نظام سرمایه‌داری برای به دست آمدن حقوق قشر کارگر پا به میدان گذاشتند؛ که این خود حاکی از این است که اگر انسان اراده کند می‌تواند بر کاری که می‌خواهد انجام دهد قادر شود، در عمل با جبرگروی با مردم برخورد کرده‌اند.

۲. نظام‌های سوسیالیستی مارکسیستی فرصتی برای مردم باقی نمی‌گذارند تا به ابتکار و میدان‌داری دست بزنند. همان اندازه که سرمایه‌داری می‌توانست به منافع قشر عظیمی ضربه بزند، حکومت‌های سوسیالیستی نیز با کنترل و قبضه نمودن کار و تولید ثروت و ابزار تولید و خارج کردن آن از دسترس مردم، به منافع مردم آسیب می‌رسانند و مشاهده شد که عمر چنین نظام‌های مالی به پایان رسید. این نحوه عملکرد عین جبرگروی است و گرچه در چنین جوامعی جبر یا اختیار به عنوان باوری دینی مطرح نیست و مارکس که از بنیان‌گذاران این نظام است دین را ساخته‌ی بشر و ابزاری برای سوء استفاده تلقی می‌کند؛ اما خود باور به جبر در میان آنان به عنوان ابزاری برای رسیدن به امیالشان است.

### ج) اسلام

۱. در دین مبین اسلام، به استثناء فرقه‌هایی که با افراط و تفریط به جبر یا اختیار صرف قائل شده‌اند، در شیعه امامیه در سایه تبیین درست جایگاه انسان در نظام هستی و اسباب و موجودات جهان و رابطه انسان با خالق خود، جایگاه صحیح این باور که همان بینابینِ مجبور مطلق و مختار صرف بودن انسان است، ظاهر می‌شود که با بهره‌گیری از تبیین صحیح معصومین علیهم‌السلام حاصل شده است.

۲. در آموزه‌های الهی، باور به رازق بودن خداوند در جای خود پسندیده و صحیح است. در عین حال طلب رزق از خداوند برای رزق بیشتر و تلاش و کوشش انسان در قالب کار که فعالیت اقتصادی تلقی می‌شود، تأکید شده است. عواملی در بروز فقر از نظر فردی مانند کم‌کاری و بی‌برنامگی و مدیریت ناصحیح هزینه‌ها و در عرصه اجتماعی به

دست آوردن در آمد نامشروع، به اختیار خود انسان در قالب احتکار و ربا خواری و ظلم های اقتصادی، به عنوان عامل روزی محدود و فقر بیان شده است اما از شانس و تقدیر گرای و جبرگروی سخن به میان نیامده است.

۳. نگاه ابزاری به دنیا و امکانات آن، باعث شده که در فعالیت های اقتصادی، اصول انسانی نظیر عدالت، آزادی، حقانیت اشتغال، به فکر یتیمان و مساکین بودن و... هرگز فراموش نشود و نظارت الهی و محاسبه آخری نیز آن را تضمین می کند. از ثمرات این ایمان به نظارت الهی و گواهان دیگری مانند اولیاء الله، قرشتگان کاتب اعمال و... در دادگاه الهی، انسان را در برابر محرومان مسئول بار می آورد

۴. اسلام بر خلاف مارکسیسم نمی خواهد نظام طبقاتی شکل بگیرد و سپس مبارزاتی سخت رخ دهد و... به جامعه بی طبقه تبدیل شود. بلکه می خواهد عدالت و آزادی توأمان محفوظ بماند و با انجام وظایف مالی شکاف طبقاتی پیش نیاید. و همچنین بر خلاف کاپیتالیسم نمی خواهد عدل و انصاف را فدای آزادی های فردی زیاده خواهانه ی انسان نماید.

۵. قوانین اسلامی منطبق بر فطرت بشری بوده و در کمال انسان نقش دارد. مطلوب بالذات هستند و در جامعه اسلامی بر خلاف مکاتب اقتصادی دیگر، دین به عنوان ابزار تأمین کننده ی هدف برخی انسان ها تلقی نمی شود.

۶. در اسلام و به خصوص مذهب کلامی شیعه امامیه می بینیم هم صوفی گرایانه عمل کردن و ترک مواهب دنیوی پسندیده نیست و هم منفعل ماندن و توکل بی جا به خداوند و انتظار دریافت نعمات و مواهب و روزی فراوان بدون کسب و کار. هم به مالک بودن انسان و رفاه داشتن نسبی انسان در استفاده از منابع و منافع دنیوی اشاره شده و هم از طرفی از ما خواستار عدم دل بستگی به مال و مالکیت است. انسان نه تسلیم جبر کامل باید باشد و نه خود را دارای اختیار کامل و بدون نیاز از خالق که نعمات دنیوی را برای بهره مندی انسان آفریده است؛ بداند. بلکه در پرتو رهنمودهای ائمه معصومین علیهم السلام با باور به قاعده کلامی "امر بین الامرین" و همچنین توحید ناب مورد نظر ائمه علیهم السلام که پذیرش توحید صفاتی و توحید افعالی به دور از انحرافات فکری فرقه های دیگر، به آباد

سازی دنیا و آخرت خود به دور افراط و تفریط‌ها پردازد. همان‌طور که در نوشتار حاضر بحث شد درباره مالکیت و امور اقتصادی نیز در فرقه‌های دیگر انحرافات عقیدتی دیده می‌شد که بیان شد این اعتقادات به دلیل تأثیرگذاری در عمل فرد، می‌تواند وی را از مسیر اعتدال که در همه حالات، محور اسلام راستین است بازدارد. بنابراین در بحث مالکیت نیز باور به توحید در مالکیت طبق فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام، شیعه امامیه مسیر اعتدال را به دور انحرافات و افراط و تفریط‌ها می‌پیماید.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی
۲. بحرانی، ابن میثم، (۱۴۱۷ق)، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه مهدی مقدم، انتشارات مجمع البحوث الاسلامیه، ایران، مشهد
۳. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، کلام جدید با رویکرد اسلامی، نشر معارف، قم
۴. موسوی تبار، حدیث سادات، سروریان، حمیدرضا، کریم زاده، قربانعلی، (۱۴۰۲)، کارکردهای دین با تأکید بر اندیشه علامه طباطبایی، دانشگاه تبریز
۵. هادوی نیا، علی اصغر، (۱۳۸۶)، جایگاه اقتصادی سنت رزق، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۸
۶. رایت میلز، چارلز، (۱۳۷۹)، مارکس و مارکسیسم، ترجمه مهدی رفیعی مهرآبادی، انتشارات خجسته، تهران
۷. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، نگرشی بر صوفیه و صوفی ها، ترجمه جلد ۱۳ منہاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه حسن حسینی دولت آبادی، انتشارات سلسله، ایران، قم
۸. صدر، محمدباقر، (۱۴۱۷ق)، اقتصادنا، انتشارات مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، ایران، قم
۹. جوادی املی، عبدالله، (۱۳۷۷)، جامعه در قرآن، ج ۱۷، انتشارات اسراء،
۱۰. درویش پور، عابدین، کرامتی معز، هادی و دیگران، (۱۳۹۶)، رابطه رزق حرام با بزهکاری و تاثیر آن بر جلوه های فردی و اخلاقی اشخاص در آیات و روایات، نشریه پژوهش های اخلاقی، شماره ۲۹، صص ۳۹۷-۴۱۶
۱۱. علاءالدین، محمدرضا، (۱۳۹۰)، آشنایی با آیات اقتصادی قرآن کریم ۱، نشریه قرآنی کوثر، شماره ۳۸، صص ۲۱-۳۱
۱۲. کاشانی، انسیه، نظرپور، محمدتقی، (۱۳۹۷)، جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصادی توحیدی از دیدگاه قرآن کریم، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۵۶، صص ۶۴-۸۱

۱۳. کهنه مندر، میرمعزی، (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸، صص ۱۵۷-۱۷۸
۱۴. برنجکار، رضا، سبحانی، محمدتقی، (۱۳۹۹)، کلام اسلامی، انتشارات دارالحدیث، ایران، قم
۱۵. سبحانی، حسن، (۱۳۷۳)، نظام اقتصادی اسلام، ج ۱، انتشارات شهید بهشتی، ایران، تهران
۱۶. نمازی، حسین، (۱۳۸۹)، نظام های اقتصادی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ایران، تهران
۱۷. صدر، محمدباقر، (۱۳۹۳)، اقتصاد ما،
۱۸. معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، انتشارات آدنا، کتاب راه نو، ایران، تهران
۱۹. مشکات، عبدالرسول، جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۷)، فرهنگ واژه ها: درآمدی بر مکاتب و اندیشه های معاصر، انتشارات سمت، ایران، قم
۲۰. کوهن، بروس، (۱۳۹۱)، مبانی جامعه شناسی، انتشارات سمت، ایران، قم
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ایران، قم
۲۲. علم الهدی، سجاد، (۱۳۹۵)، روش شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع)
۲۳. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۹۷)، ترجمه محاضرات فی الالهیات به ضمیمه فرهنگ مصطلحات، با ترجمه عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی، انتشارات رائد، ایران، قم
۲۴. تارو، لستر، (۱۳۷۶)، آینده سرمایه داری، ترجمه عزیز کیاوند، انتشارات دیدار
۲۵. موسوی خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۱)، اقتصاد و عرصه اقتصادی از نگاه رهبر معظم انقلاب، موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
۲۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه، موسسه امام صادق، ایران، قم
۲۷. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، انتشارات شریف الرضی، ایران، قم
۲۸. حسن بن یوسف، حلّی، حسن زاده آملی، حسن، (۱۴۱۳ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، انتشارات مؤسسه النشر الإسلامی، ایران، قم
۲۹. شیخ مفید، محمدبن محمد بن نعمان، (۱۴۱۰ق)، المقنعه، انتشارات جامعه مدرسین،

ایران، قم

۳۰. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۸)، سیمای اقتصاد اسلامی، انتشارات موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی

امام صادق ع، ایران، قم

۳۱. حکیمی، محمدرضا، آرام، احمد، (۱۳۸۴)، ترجمه الحیاء، ج ۵، انتشارات دلیل ما، ایران،

قم

۳۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۶)، سیمای عقاید شیعه، انتشارات مشعر، ایران، تهران

۳۳. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۱)، جبر و اختیار، موسسه امام صادق، ایران، قم

۳۴. ذکاوتی قراگوزلو، (۱۳۸۵)، صوفیه از دیدگاه علمای شیعه در قرن گذشته، نشریه آینه

پژوهش، شماره ۱۰۱، صص ۱۵-۲۵

۳۵. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، (۱۳۶۲)، الملل و النحل (توضیح الملل) بتحقیق و

تصحیح سید محمدرضا جلالی نائینی، ج ۱ و ۲، انتشارات اقبال

۳۶. سامانی، سید محمود، نصیری، علی، (۱۳۸۹)، آثار تربیتی اعتقاد به معاد، مجله مطالعات

قرآنی، شماره ۴

۳۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

۳۸. غنی، قاسم، (۱۳۸۹)، تاریخ تصوف در اسلام، تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر

اسلام تا عصر حافظ، انتشارات زوار، ایران، تهران

۳۹. یوسفیان، حسن، (۱۴۰۱)، کلام جدید، انتشارات سمت، ایران، تهران

۴۰. پترسون، مایکل، هاسکر، ویلیام، (۱۳۷۹)، عقل و اعتقاد دینی، مترجم احمد

نراقی، ابراهیم سلطانی، انتشارات طرح نو، ایران، تهران

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۳، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ایران،

تهران.